

# نبوت خاتمہ

نویسنده

وصی و فرستاده امام مہدی (ع)

سید احمد الحسن

## تعریف به صاحب کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش، امامان و مهدیین که امرمان تسلیم آنها است.

سید احمد الحسن، وی احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند محمد مهدی فرزند حسن العسکری فرزند علی الهادی فرزند محمد الجواد فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق فرزند محمد الباقر فرزند علی السجاد فرزند حسین الشهید فرزند علی امیر المؤمنین فرزند ابیطالب می باشد. که درود و سلام خدا بر آن ها باد.

او جانشین و فرستاده امام مهدی (محمد فرزند حسن عسکری) برای عموم مردم، یبانی موعود نزد شیعیان، و طبق عقیده اهل سنت همان مهدی ای است که رسول خدا به تولد ایشان در آخر الزمان مژده داده بودند؛ و معزی برای پیامبران خدا و فرستادگانش که پیامبر خدا حضرت عیسی وعده او را در انجیل داده است، و نجات دهنده ای که پیامبر خدا ایلیا، وعده ظهورشان را به یهودیان داده بودند.

سال ۱۹۹۹ میلادی (۱۳۷۸ هـ.ش) در عراق پایتخت دولت عدل الهی همراه با دعوت بزرگ خداوند ظهور کردند و دعوتشان توسط دلایل و احتجاجاتش نزد مردم همانگونه که پیامبران و فرستادگان خداوند از قبل بر قومشان احتجاج می کردند، در کل عالم انتشار پیدا کرد. دلایل ایشان شامل: چندین متن (عین وصیت جد بزرگوارشان پیامبر اکرم، که اسم و شأن و منزلتشان در آن اشاره شده است. و همچنین ده ها متن معتبر دیگر نزد مسلمانان، مسیحیان و یهودیان)- علمی که با آن به مبارزه و مناظره بزرگان ادیان و کل طوائف برخاستند- پرچم بیعت خدا و دعوت به حاکمیت خداوند و نیز همراه با تأیید خدای پاک و منزله در ملکوت توسط صدها رؤیای صادقانه پیامبران و اوصیایی که به آن شهادت می دهند.

و همانا با خط مبارکشان مجموعه ای از کتاب هایی که شامل بسیاری از مسایل خدانشناسی بودند را در میان مردم منتشر کردند. از آن ها می توان به: کتاب توحید، متشابهات، روشنگری از دعوات فرستادگان، سفر حضرت موسی به مجمع البحرين، نبوت خاتمه، فتنه گوساله، جهاد درب بهشت، حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم، گزیده ای از تفسیر سوره فاتحه و چندین کتاب دیگر اشاره کرد.

اما هدف دعوت ایشان، همان هدف دعوت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد ( درود خداوند بر آن ها باد) است تا همانا توحید و یگانگی در تمامی نواحی جهان انتشار پیدا کند. هدف پیامبران و فرستادگان هدف اوست و بیان تورات و انجیل و قرآن و آنچه را که در مورد آن دچار اختلاف شده اند، پر شدن زمین از عدل و داد همانگونه که از جور و ستم پر شده است، می باشد؛ تا گرسنگان را سیر کند و تنگدستان را در نیازمندی باقی نماند. تا یتیمان را پس از غم و اندوه طولانی شان شاد گرداند و زنان بیوه از آنچه که نیازهای مادی دارند، با احترام دریافت کنند. تا... تا... و تا آنچه از عدل و رحمت و راستی در شریعت است تحقق بخشد.

همانا بسیاری از مؤمنان پراکنده شده در مناطق زیادی از جهان به این دعوت مبارک و فرخنده پیوسته اند. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت رسمی انصار امام مهدی و اتاق گفتگوی صوتی در پالتاک مراجعه نمایید.



## اهداء

به کسانی که خورشید را می بینند..  
برای صاحب دلان..  
و از خداوند و آنها التماس دعا دارم.



بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله مالك الملك مجرى الفلك مسخر الرياح فالحق الاصباح ديان الدين رب  
 العالمين، وصلى الله على محمد واله الاثمه والمهدين وسلم تسليما.

### مقدمه

نبوت با نبوت حضرت محمد : خاتمه یافت و خداوند تبارک و تعالی دین را به واسطه ایشان کامل ساخت و نعمتش را تمام کرد ، و اما امت ، در مفهوم خاتمه نبوت اختلاف داشته و بعضی خاتم نبوت را با فتحه تاء و کسانی دیگر خاتم را با کسره تاء می خوانند ، و بعضی از روایات تأکید دارند که بعد از حضرت محمد : نبوتی نیست و هر کس ادعای نبوت بعد از حضرت محمد : را کرد او را تکذیب کنید، و این در حالی است که بعضی از روایات اهل بیت (ع) یافت می شود که استمرار نبوت بعد از حضرت محمد : را نمایان می سازد . و اینکه حجت خدا بر خلق بعد از حضرت محمد : باید به آسمانها اتصال داشته باشد .

یعنی از اخبار غیب خداوند با خبر شود ، و در بعضی از روایات نقل شده از رسول اکرم (ص) این را می رسانند که این وحی فقط بر اوصیاء نازل نمی شود بلکه این امر بر عامه مردم به طریقی نیز مشهود است مانند رؤیای صادقه که رسول اکرم : آن را جزئی از نبوت توصیف می کند.

از امام رضا (ع) نقل شده که از پدرم از پدر بزرگم و ایشان از پدرشان که فرموده رسول اکرم (ص) فرمود: (رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوت می باشد)<sup>(۱)</sup> و از نبی اکرم (ص) نقل شده: ( بعد از من به جز مبشرات هیچ گونه نبوتی نخواهد بود ، گفتند: مبشرات چیست؟ فرمودند: (رؤیای صادقه)<sup>(۲)</sup> .

---

- : : : : :  
 .  
 - : .

در اینجا ، طالب حق خود را بین دو راه می یابد و هر کدام به طریقی مخالف چیزی است که رسول اکرم (ص) وعترت پاکش آن آورده اند . اگر بگوید خاتمه نبوت با رسالت حضرت محمد (ص) مطلقاً خاتمه یافته مخالف روایات استمرار نبوت بعد از رسول اکرم (ص) یا حتی جزئی از آن شده ، و اگر بگوید نبوت بعد از حضرت محمد(ص) استمرار مطلق دارد باز مخالف روایات ختم نبوت بعد از اشرف مخلوقات رسول اکرم محمد مصطفی (ص) شده اید .

و حل این مسئله با اخذ و اعتماد بر بخشی از روایات و ترک روایات دیگر ، و تکذیب بعضی از آنها و یا ایراد گرفتن بر صحت سند (والعیاذ بالله) میسر نخواهد شد ، اهل بیت (ع) در ده ها روایت و حدیث از تکذیب کلام محمد و آل محمد (ع) نهی کرده اند ، جز اینکه مخالف قرآن و سنت ثابت آنها باشد.

و این مسئله ختم نبوت از امور متشابهی است که حکم آن را کسی جز اوصیاء حضرت محمد : حل نخواهد کرد ، و خداوند می فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴾<sup>(۱)</sup>

(او همان کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد که بعضی آیات محکمات هستند و آنها ام الكتاب و دیگر متشابه و کسانی که در قلب آنها مرضی است برای فتنه و تفسیر دنبال متشابه آن می روند تا فتنه گری کنند و تفسیر آن را جز خدا و راسخین در علم کسی نمی داند و می گویند ما به آن کتاب ایمان آوردیم همه آن از خدای ماست و بر این معنی تنها خردمندان آگاهند)

وقتی ابو حنیفه به محضر امام صادق(ع) رسید حضرت (ع) به وی فرمود: (ابو حنیفه آیا کتاب خدا را چنان که شایسته آنست می شناسی؟ و ناسخ و منسوخ آن را تمیز



می دهی؟ گفت: بلی، حضرت (ع) فرمود: (ای ابو حنیفه ادعای علم نمودی! که خداوند این علم را جز در نزد اهل کتاب (کسانی که کتاب بر ایشان نازل شده) قرار نداده است. وای بر تو، این علم تنها در نزد گروه خاصی از ذریه پیامبر ماست و خداوند حرفی از کتاب خود را بهره تو نساخته! اگر تو چنانی که ادعا می کنی - و البته که چنین نیستی - پس به من خبر بده ..<sup>(۱)</sup>

در این کتاب، شفای درد و علمی از علم اهل بیت (ع) وجود دارد که سید احمد الحسن وصی و رسول امام مهدی (ع) این نکته را با بهترین بیان از قرآن و سنت رسول اکرم (ص) توضیح داده، و هیچ یک از روایات دو قسم را چه کسانی که بر استمرار نبوت اعتقاد داشته و چه آنهایی که خاتمه نبوت را گفته اند رد نمی کند و معنی نبوت و ختم نبوت با رسول اکرم (ص) و نیز استمرار آن بعد از رسول اکرم (ص) و معنی خاتم با تاء فتحه و خاتم با تاء با کسره را روشن نموده اند.

و این کتاب را با بهترین برهان و دلیل خواهی یافت که رسالتی که با حضرت محمد (ص) خاتمه یافته و بعد از ایشان (ص) پیامبری نیست را بیان نموده ولی با مفهوم مختلفی از صحبت در مورد استمرار آن بعد از ایشان (ص) آمده است. و تعارضی بین دو قسم روایت نیست زیرا هر قسم از آنها از یک معنی نبوت سخن می گویند که با دیگری فرق می کند، و همان طور نیز سید احمد حقیقت ارسال را روشن نموده و اینکه آیا ارسال انبیاء منحصر به خداوند بوده و یا اینکه امکان ارسال از طرف انبیاء و رسل وجود دارد؟ و اینکه معصومین (ع) فرستاده ای از طرف خداوند هستند یا خیر؟ و اگر جواب بله است چه کسی آنها را ارسال کرده؟ و چه فرقی بین ارسال آنها و ارسال انبیاء می باشد؟

در طول قرن ها سال جواب این سؤالات برای همه مهیم بوده و جواب قانع کننده ای برای آنها نداشتند ، ولی حالا جوابشان را از سلاله عترت پاک وصی و رسول امام مهدی سید احمد الحسن در این کتاب پیدا خواهی کرد .

و من نیز حق را می گویم که این کتاب صدق اتصال سید احمد به امام مهدی (ع) را نشان می دهد ، و این علم منحصر به اوصیاء رسول اکرم محمد : می باشد ، و خداوند می فرماید:

﴿ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ ﴾ (۱)

(بگو به دیده تامل بنگر که اگر آب مایه حیات شما فرو رود کیست که برای شما آب گوا را بیاورد) . و حمد و سپاس خداوندی که ما را این گونه هدایت نموده و اگر لطف ایشان نبود ما مورد هدایت واقع نمی شدیم .

شیخ ناظم عقیلی

### نبوت

معنی کلمه نبی دینی: همان شخصی است که اخبار را از آسمانها می شناسد. و کلمه نبی در اصل از کلمه نبأ یعنی خبر گرفته شده و نه از کلمه نبا یعنی ظهور و بالا گرفتن، درحقیقت کلمه نبأ از کلمه نبا گرفته شده پس نبأ یعنی همان غیبی که ظاهر شده و بالا رفته تا مردم آن را ببینند بعد از اینکه مستور و مجهول بود شناخته شد. اخبار آسمانها به شکلهای متعدد به انسان می رسد اگر چه در اصل یک مسیر واحد آنها را جمع نموده، و ممکن است خداوند با شخصی مستقیماً از پشت حجاب سخن گوید، و هر چه بخواهد به ایشان وحی کند، یعنی در صفحه وجود انسان آنچه را بخواهد بنویسد و یا ملائکه ای را بفرستد تا به صورت مستقیم با انسان صحبت کنند، و یا در صفحه وجودش هرچه بخواهد بنویسند..

باری تعالی می فرماید: ( وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ <sup>(۱)</sup> )

(واز هیچ بشری یارای این را نداشت که با خدا سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پس پرده غیب رسولی (فرشته) فرستد تا به امر خدا هر چه او بخواهد وحی کند او خدای دانا و بلند مرتبه است). و اما طریق این کلام و وحی و نوشته، ممکن است توسط خواب صادق (رؤیا) در خواب و یا مکاشفه در حال بیداری است، و علت اینکه مکاشفه می گویم چون که عالم ارواح غیر از این عالم جسمانی است، و برای اینکه انسان از آن اطلاع و به آن اتصال پیدا کند باید این پرده حجاب عالم جسمانی برایش کنار زده شود و ضرورتی ندارد که هر نبی <sup>(۲)</sup> که از طرف خداوند فرستاده شده

- :  
- )

(

باشد بلکه ممکن است در زمان واحد چند پیامبر با هم باشند ، ولی خداوند سبحانه و تعالی یکی از آنها را ارسال می کند و بر آنها و دیگران حجت می شود . و به طبع این شخص برگزیده را خداوند حفظ می کند و به فضل خود ایشان را از چیزهای مورد نیازش از طریق غیب مطلع می سازد :

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا \* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾<sup>(۱)</sup>.

( دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی سازد \* جز فرستاده ای را که از او خشنود باشد که در این صورت برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت ) .

و این ملائکه ای که خداوند برای این نبی مرسل مسخر می کند ایشان را از پیش رو و از پشت سرش به امر خدا از شر شیاطین انس و جن محافظت می کند ، حتی از القاءات باطل او را محافظت می کند.

﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup>.

(برای هر چیز پاسبانهایی از پیش رو و پشت سر بر گماشته که به امر خدا او را نگهداری کنند).

واین فرشتگان حافظ مانع از تداخل القاءات شیطان در رسالت نازل شده در این عالم جسمانی می شوند و در آخر این رسالت نازل شده صحیح و پاک وبدون القاء شیطان محفوظ می ماند:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾<sup>(۳)</sup>.

( از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید و وحی ، نامه ای است از حکیمی ستوده[صفات] ) .

· - : -  
· - : -  
· - : -

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(و ما قرآن را نازل کردیم و محققاً او را محفوظ خواهیم داشت)  
و اما آن انبیاء یا کسانی که در آن مقطع زمانی به این مقام رسیدند یا اینکه آنها به اذن خداوند از اخبار آسمان مطلع شدند و در ملکوت آسمانها بعد از طاعات و عباداتشان در آن زمان ارتقاء پیدا کردند نیز مانند بقیه مردم به واسطه آن پیامبر فرستاده شده از طرف خداوند مورد امتحان قرار می گیرند .

و در حد امکان باید امتحان بر آنها آسانتر باشد زیرا که خداوند آنها را از بعضی حقایق و در مرتبه ای عالی از رسالت رسول در آسمانها مطلع کرده است ، ولیکن نیاز است تا به اندازه کمی جمل نسبت به آن نبی مرسل بر آنها باقی می ماند تا وسیله ای برای امتحان آنها باشد ، تا ایمان آنها بمرتبه معین ایمان به غیب باشد:

﴿الم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

(الم \* این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزکاران است \* کسانی که به عالم غیب ایمان آورند و نماز بر پا دارند و از روزی شان به فقیران انفاق کنند).

و این قدرت تشخیص آنها نسبت به بقیه انسانها حق مسلم آنهاست ، آن هم به علت عبادت و طاعت سابق آنهاست ، اما اگر کسی از آنها به آن رسول کفر ورزد یا او را تکذیب کند در اسفل درجات جهنم خواهد افتاد، همانطوریکه این اتفاق برای بلعم بن باعورا افتاد ، او از بعضی اخبار غیب آسمانها مطلع می شد و از طرف خداوند به رسالت موسی (ع) آگاهی داشت ولی او را تکذیب کرد و شبهات را عذر خود در سقوط در آتش جهنم قرار داد ، و طاعات و عبادت سابق برای او نفعی نداشت همانگونه که برای ابلیس سودی نداشت و از بدترین خلق خدا شد بعد از اینکه او

طاوس ملائکه بود ، و در روایات آمده که ابن باعورا اسم اعظم داشت و تا زیر عرش را می دید.

از امام رضا (ع) نقل شده که: اسم اعظم به بلعم عطا شده بود و وی خدا را با آن اسم می خواند و خواسته اش اجابت می شد تا اینکه به سوی فرعون تمایل پیدا کرد (و این فرعون غیر از آن فرعون مصر است) آنگاه که فرعون به جستجوی موسی (ع) و یارانش می پرداخت به بلعم گفت موسی و یارانش را نفرین کن تا خدا شر آنها را از سرما کم کند بلعم بر الاغ خود سوار شد تا برای نفرین موسی در پی اش روانه شود اما الاغش از حرکت باز ایستاد وی شروع کرد به زدن الاغ تا اینکه خداوند حیوان را به سخن آورد الاغ گفت ( وای بر تو! برای چه مرا می زنی؟ آیا می خواهی به همراه تو بیایم در حالیکه می خواهی موسی (ع) پیامبر خدا و گروهی از مؤمنان را نفرین کنی؟) بلعم دست برداشست و آقندر او را زد تا بمرد و اسم اعظم از زبانش گرفته شد. و این قول خداوند سبحانه و تعالی است که فرمود :

﴿وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ \* وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ... ﴾<sup>(۱)</sup>

(و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم را برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد . و اگر میخواستیم قدر او را به وسیله آن آیات بالا می بردیم اما او به زمین [=دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است که اگر بر آن حمله ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی باز هم زبان از کام برآورد این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را برای آنان حکایت کن شاید که آنان بیندیشند).

واین مثالی است که خدا زده است و امام رضا (ع) می فرماید: (سه حیوان وارد بهشت می شوند: یکی الاغ بلعم و سگ اصحاب کُف و گرگ، و قصه گرگ آنست که روزی پادشاه ظالمی مامور خود را برای دستگیری مؤمنین فرستاد تا آنها را شکنجه دهد، و آن مامور فرزندی داشت که او را دوست می داشت و آن گرگ آمد و فرزند او را خورد و مامور برآن اندوهگین گشت و خداوند آن گرگ را بخاطر اندوه مامور وارد بهشت نمود) <sup>(۱)</sup>.

و در قرآن کریم خداوند بلعم ابن باعورا را یاد می کند که چگونه بعد از اینکه به مقام نبوت رسید و تا زیر عرش را می دید و اسم اعظم را داشت و بخاطر حسد به موسی (ع) و تکبر بر او مانند سگ هاری دنبال منیت و هوای نفس خود می گشت.

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَالِينَ \* وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ <sup>(۲)</sup>.

(و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد \* و اگر می خواستیم قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می بردیم اما او به زمین [= دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است که اگر بر آن حمله ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی باز هم زبان از کام برآورد این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را برای آنان حکایت کن شاید که آنان بیندیشند).

---

- : .  
- : - .

### رؤیا (خواب) صادق و نبوت

در قرآن محفلی از وحی خداوند باری تعالی برای انبیاء و مرسلین در خواب صادق می باشد ، واز آنها حضرت محمد : و حضرت ابراهیم (ع) و حضرت یوسف (ع) هستند :

﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾<sup>(۱)</sup>.

(و وقتی به تو گفتیم ای رسول - محمد : - خدا به همه افعال و افکار مردم محیط است و ما روئیای که به تو نشان دادیم جز برای آزمایش و امتحان مردم و آن درختی که به لعن در قرآن یاد شد و ما به ذکر این آیات عظیم آنها را از خدا می ترسانیم ولیکن آیات بر آنها جز طغیان و کهر و انکار شدید چیزی نیفزاید).

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللهُ آمِينَ مُحَلَّقِينَ رُؤُوسِكُمْ مُقْصَرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾<sup>(۲)</sup>.

(حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید که دیده بود ، شما بدون شك به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی و ناخن کوتاه کرده‌اید با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد خدا آنچه را که نمی دانستید دانست و غیر از این

پیروزی نزدیکی برای شما قرار داد). ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>(۳)</sup>.

(آنگاه او به سعی و عمل شتافت ابراهیم گفت ای فرزند عزیزم من در عالم خواب چنین دیدم که تو را قربانی راه خدا کم در این واقعه تو را چه نظری است ؟ جواب

- :  
- :  
- :



داد ای پدر هر چه ماموری انجام ده که انشاء الله مرا از بندگان با صبر و شکیبا  
﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.  
خواهی یافت).

(تو ماموریت عالم رؤیا را انجام دادی ما نیکو کاران را چنین پاداش می دهیم).  
﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي  
سَاجِدِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

(واکنون متذکر شو خواب یوسف گفت ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره و  
خورشید و ماه مرا سجده می کردند).

حتی در قران خداوند به مادر موسی عليه السلام در عالم روئیت وحی میکند:  
﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي  
إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾<sup>(۳)</sup>.

(وبه مادر موسی وحی کردیم که طفلت را شیر ده و چون از آسیب فرعونیان بر او  
ترسان شوی به دریا افکن و دیگر بر او هرگز مترس و محزون مباش که او را به تو باز  
آوریم و از پیغمبران مرسلش گردانیم)

و باید توجه کنیم که رؤیای پیامبران قبل از ارسال و بعد از ارسال آنهاست یعنی وحی  
خداوند با رؤیا آغاز می شود، و حتی بعد از ارسالشان نیز قطع نمی شود و این (رؤیا)  
طریقی از طرق خداوند در ارسال وحی به آنها می باشد.

ورسول اکرم: قبل از بعثت و شروع رسالت این رؤیاها را می دید و همانگونه که می  
دید در عالم دنیا اتفاق می افتاد، و اگر انبیاء و مرسلین به این روئیاها ایمان نمی آوردند

---

- : .  
- : .  
- : .

آن هم قبل از رسالت، و تصدیق نمی کردند به این مقام عالی و قرب خداوند نمی رسیدند ، و خداوند آنها را برای رسالتش پاک و طهارت نمی داد:

﴿قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(تو ماموریت عالم رؤیا را انجام دادی ما نیکو کاران را چنین پاداش می دهیم). بلکه آنها به رؤیای مؤمنین که با آنها بودند و خواب صادقه می دیدند ایمان می آوردند، و رسول اکرم: از یارانش سوال می کرد: آیا رؤیایی دارید؟ و برای شنیدن آن همت می نمود، و بعد از نماز صبح شنیدن رؤیا را ذکر و عبادت خداوند سبحان می دانست ، و منافقین بر او اشکال گرفتند و گفتند که سخن هر شخصی را تصدیق می کنی:

﴿وَمَنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

(و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند او زودباور است بگو گوش خوبی برای شهاست به خدا ایمان دارد و سخن مؤمنان را باور می کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمتی است و کسانی که پیامبر خدا را آزار می رسانند عذابی پر درد در پیش خواهند داشت).

نقل از امام رضا(ع) رسول اکرم (ص) در هنگام صبح به صحابه خود می فرمود آیا بشارت هایی دارید ، یعنی رؤیای صادقه<sup>(۳)</sup>.

و آن را از مبشرات نبوت می دانستند و از رسول اکرم: نقل شده: (از مبشرات نبوت چیزی باقی نمانده جز رؤیای صادقه که شخص مسلمان آن را می بیند یا آنرا برای او می بینند)<sup>(۴)</sup>.

---

- :  
- :  
- :  
- :

و نیز فرموده اند: (رؤیای صادقه از خداوند است و آن جزئی از اجزاء نبوت است)<sup>(۱)</sup>.

باید ملتفت شد که رسول اکرم (ص) فرمودند که جزئی از اجزاء نبوت است این نیست که هر کس رؤیای صادقه ببیند نبی مرسل از طرف خداوند است بلکه هر رؤیای صادقه خبری صادق است که از ملکوت آسمانها برای بیننده آن آمده است.

### خاتم النبیین

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾<sup>(۲)</sup>

(محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست)

از بحث قبل ختم نبوت و در اینجا منظورم از ختم پایان آن ، یا انتهاء و توقف آن امر غیر صحیحی است اگر مراد از نبوت رسیدن به مقام نبوت و در آخر معرفت بعضی از اخبار آسمان از حق و غیب باشد، چون راه ارتقاء به ملکوت آسمانها همیشه باز بوده و بسته نخواهد شد ، همانگونه که رسول اکرم : در بسیاری از روایات که شیعه و اهل سنت نقل می کنند بر آن تاکید کردند و همچنین اهل بیتش : آن را طریقی از طرق وحی الهی می دانند که باز خواهد ماند و بسته نخواهد شد و آن رؤیای صادقه از طرف خداوند سبحانه و تعالی است.

از یکی از یاران امام رضا (ع) نقل شده که به امام (ع) گفت : ای فرزند رسول خدا، رسول اکرم (ص) را در خواب دیدم و فرمود چگونه خواهید بود ، اگر در سرزمین

---

= :  
- :



به نقل از علامه مجلسی در کتاب (بخار الانوار) در کتاب تعبیر از اهل بیت : نقل شده: (رؤیای مؤمن صحیح می باشد چون نفس او پاک است و یقینش صحیح است ، نفس مطمئنه او خارج می شود و از ملائکه خبر می گیرد ، و آن وحی از خداوند عزیز جبار می باشد)<sup>(۱)</sup>

و نیز در همان صفحه کتاب بخار از رسول اکرم : نقل شده: (هر کس مرا در خواب ببیند بدرستی که مرا دیده و شیطان نمی تواند به صورت من و نه بصورت اهل بیت من ، و نه حتی بصورت شیعیان آنها درآید ، و رؤیای صادق جزئی از هفتاد جزء نبوت است).

و از رسول اکرم : آمده: (اگر آخر زمان شد رؤیای مؤمن تکذیب نمی شود، و صادقترین آنها در رؤیا صادقترین آنها در حدیث است)<sup>(۲)</sup>

و نیز آمده: (اگر زمان ظهور نزدیک شود رؤیای مؤمن تکذیب نمی شود و صادقترین آنها در رؤیا صادقترین آنها در حدیث است ، و رؤیای انسان مسلمان جزئی از چهل و شش جزء نبوت است)<sup>(۳)</sup> .

و فرموده :: (رؤیای مؤمن جزئی از چهل و شش جزء نبوت است)<sup>(۴)</sup> و فرموده : (هر کس رؤیایی ببیند که با دیدن آن مسرور شود آن از طرف خداوند است پس او را شکر گذاری کند و آنرا برای دیگران تعریف کند)<sup>(۵)</sup> .

و نیز فرموده :: (رؤیای انسان مؤمن جزئی از هفتاد و هفت جزء نبوت است)<sup>(۶)</sup> .

---

	-
.	:
.	-
.	:
.	-
.	:
.	-
.	:
.	-



پس پدرم به ایشان گفت: پدر و مادرم فدایت شوند که آن چیست؟ فرمود: (خداوند از او خارج می کند دادگرو دادرس این امت و علم و نور و فهم و حکم و بهترین مولود و ظهورش است که حق را روشن می سازد و بین شما اصلاح می کند، و نیز عریان را جامه می پوشاند و گرسنه را سیر می کند و ترس دیده را امان می بخشد و به واسطه ایشان باران رحمت نازل می شود، و قولش حکمت و سکوتش علم است و حق خود را بین مردم نمایان می کند آنچه که در آن اختلاف پیدا کرده بودند).  
و به ایشان گفتم: پدرم و مادرم فدایت شوند آیا برای او فرزندی است که بعد او می آید؟ فرمود: (بله).

سپس کلامش را قطع کرد و یزید گفت: بعد از او ابو الحسن یعنی موسی بن جعفر (ع) را دیدم و به او گفتم پدر و مادرم فدایت شوند می خواهم به من چیزی بگوئی همانگونه که پدرت به من فرمودند، و امام (ع) فرمود: (پدرم در زمانی غیر از این زمان زندگی می کرد).

ویزید گفت: این را چه کسی از من قبول می کند و کسی که این را قبول کند لعنت خدا بر او باد، و امام (ع) در حالی که لبخند می زد فرمود: (به تو خبر می دهم ای ابا عماره من از منزل خارج شدم و بعد از خود به فرزندانم وصیت کردم و آنها را با فرزندم علی (ع) جمع کرد و بر او اشاره کردم، و سپس او را به کناری خواندم و وصیت را در خفاء بر ایشان خواندم و بر او وصیت کردم، و آنگاه رسول اکرم (ص) را در خواب دیدم و امیر المومنین (ع) همراه ایشان بود که همراه ایشان انگشتر و شمشیر و عصا و کتاب و عمامه بود و به ایشان گفتم: اینها چیست؟ فرمود: اما این عمامه سلطنت خداوند است و شمشیر عزت خداوند عز وجل و کتاب نور خداوند عز وجل، و عصا قوت خداوند عز وجل و انگشتر جامع این امور است. و سپس فرمود: پیامبر: فرمودند: و این امر به این فرزندان علی (ع) می رسد.

گفت: و سپس امام (ع) فرمودند: (ای یزید این ودیعه و امانت پیش تو باشد و به کسی این خبر را مگو بجز عاقل یا مومنی که خداوند قلبش را برای ایمان امتحان کرده و یا

صادق باشد و نعمت خداوند را را تکفیر مکن ، و اگر از تو در این خصوص شهادت خواسته شد آن را ادا کن، که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾.

(خدا امر کرد شما را که امانات را به اهلشان برگردانید).

و نیز خداوند می فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ﴾. (و کس که امانت خدا را کتمان کند ظالم است).

و به ایشان گفتم: به خدا قسم اینکار را انجام نمی دهم و این سر را به هر کسی نمی گویم ، گفت : سپس ابو الحسن (ع) فرمود: آنگاه رسول اکرم : او را برایم وصف کرد و فرمود: علی فرزندت می باشد که با نور خدا می بیند و با فهمش می شنود و با حکمتش سخن می گوید، و هدف را می رساند و خطا نمی کند و چیزی را جاهل نیست و مملو از علم و حکمت است و زمان ماندن شما در کنارش کم است ، و آن چیزی است که اتفاق می افتد و اگر از سفر بازگشتی امرت را اصلاح و جمع آوری کن و از همه چیز فارغ شو چون از جوار او منتقل می شوی و فرزندان را جمع کن و خدا را بر آنها شاهد قرار بده و شهادت خداوند بر آنها کافیهست.

سپس فرمود: ای یزید من امسال از میان شما خواهم رفت و علی فرزندم همنام علی ابن ابی طالب (ع) و همنام علی ابن حسین (ع) که فهم اولین ، و علم و نصرت و رداء را به او داده اند و او تا چهار سال بعد از هارون حق کلام را ندارد، و اگر این چهار سال تمام شد از او هر چه می خواهی سوال کن انشاء الله جوابت را خواهد داد<sup>(۱)</sup>.

بنابراین رؤیا راهی است از راههای وحی خداوند سبحان و تعالی می باشد و بعد از حضرت محمد : نیز باز می باشد، و روایات بر آن تأکید می کنند و در واقع ملموس و همچنان باز مانده است ، و مانعی وجود ندارد که انسان مؤمن مخلص با عبادات خود



به مقام نبوت برسد و امکان این را دارد که خداوند به وی وحی کند آنهم از طریق رؤیا ، و آنها به بعضی از امور غیب و حق بفضل خدای سبحان مطلع می شوند و تأکیداً ائمه معصومین : به مقام نبوت رسیده اند و حق و غیب از طریق رؤیا و مکاشفه به آنها می رسد ، و روایاتی که بر رؤیا تأکید دارند بسیارند ، به کتاب کافی و غیره از کتب احادیث مراجعه شود.

حال پس وجود مؤمنین مخلصی که به مقام نبوت رسیده و خداوند از طریق رؤیا به آنها وحی کرده امری ممکن است ، و این امر قابل دسترسی است و در حداقل تقدیر این امر در ائمه معصومین : اتفاق افتاده است .

و چیزی که از آنها : آمده این است که به ما بفهاندند که آنها پیامبر نیستند و مراد این است که آنها پیامبران مرسل از خداوند سبحان نمی باشند و الا معنی اینکه در اخبار آنها روح القدس را ملاقات می کنند و با آنهاست و آنها را ترک نمی کند چیست ؟  
 و اگر امر این چنین باشد مفهوم این کلام چیست ، که رسول الله حضرت محمد (ص) خاتم - با تاء کسر دار - یعنی آخرین پیامبر خداست ، و خاتم نبین - با تاء فتحه دار - یعنی وسط انبیاء است ، و هر دو خاتم و خاتم از نامهای پیامبر خدا حضرت محمد (ص) می باشند.

برای رسیدن به جواب ، باید نخست اندکی از مقام نبی اکرم محمد (ص) را بشناسیم و چیزی که ایشان را از بنی آدم بلکه حتی انبیاء متمایز می کند را بشناسیم و بدانیم .

### محمد (ص)

( ) -

( )

:

:

:

.

### ظهور خداوند در فاران

این عبارت در دعای سمات از اهل بیت : وارد شده است :

( .. واسئلك اللهم ... ومجدك الذی ظهر علی طور سیناء فکلمت به عبدک ورسولک موسی بن عمران (ع) ، و بطلعتک فی ساعیر ، و ظهورک فی فاران ... )<sup>(۱)</sup> .

(...خدایا تو را می خوانم به مجد و بزرگواری خود که در کوه سینا آشکار شدی و با بنده و فرستاده خود موسی بن عمران(ع) خود سخن گفתי، و طلوع خود در ساعیر (بیت المقدس) و ظاهر شدن خود در فاران (مکه)...). و طلوع خداوند در ساعیر با حضرت عیسی (ع) بود، و ظهور خداوند در فاران با حضرت محمد : می باشد.

و باید ملتفت شد که ارتباط عبارت دعا بطور تصاعدی است ، و از پیامبری که خداوند با او سخن گفت و او حضرت موسی (ع) است ، تا پیامبری که مثال طلعت خداوند شد و او حضرت عیسی (ع) است ، و پیامبری که مثال ظهور خداوند شد و ایشان حضرت محمد : می باشد . ( سخن گفتن - طلعت - ظهور )

و فرق بین طلوع و ظهور این است که: طلوع آن همان ابتدای ظهور کامل و مرتبه ای پایین تر از ظهور است ، و هر دو آنها حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد : هستند که آنها مثال خداوند در خلق بودند و لکن حضرت عیسی (ع) در مرتبه ای پایین تر از حضرت محمد : است . و بعثت حضرت عیسی (ع) برای مقدمه ظهور و بعثت حضرت محمد ضروری بود و آنها مثال خداوند در خلق می باشند و حضرت محمد حقا خلیفه کامل خداوند است . و اگر به ابتدای خلقت باز گردیم باری تعالی ملائکه را مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>(۲)</sup>

(من خلیفه ای در زمین قرار می دهم).

---

..... : - -  
..... : - -

و با توجه به اینکه حضرت آدم (ع) خلیفه خدا بود و بقیه انبیاء و اوصیاء نیز این چنین بودند ، اما هدف رسیدن به خلیفه حقیقی خداست، یا شخصی که خلیفه کامل خداوند سبحان و تعالی باشد تا لاهوت را در آئینه وجودش بطور تمام و کمال نسبت به بقیه انبیاء و اوصیاء منعکس کند ، پس مراد رسیدن به شخصی که بین منیت و انسانیت و بین لاهوت و ذات الهی اخفاق ( رفت و برگشت) کند.

ابو بصیر از امام صادق (ع) سوال می کند: فدایت شوم چند بار رسول اکرم : عروج کردند؟ فرمود: (دو بار و جبرئیل او را در جایگاهی قرار داد و به او گفت: این مکان شمایست در مکانی هستی که هیچ پیامبری و فرشته ای به این مکان نرسیده است، و پروردگارت صلوات می فرستد، فرمود: ای جبرئیل چگونه صلوات می فرستد، گفت: می فرماید: سبح قدوس من پروردگار ملائکه و روح هستم و رحمت از غضب پیشی گرفته است ، و رسول اکرم (ص) فرمود : خداوندا عفتوت و در جای بود که همانگونه که خداوند فرموده یعنی در مقام قاب قوسین یا نزدیکتر از آن قرار گرفت، و ابو بصیر سوال می کند: فدایت شوم (قاب قوسین یا نزدیکتر از آن) یعنی چه ؟ و امام (ع) فرمود: (به اندازه فاصله تیر نیزه تا کمانش).

سپس (ع) فرمود: (و بین آنها حجاب نورانی بود که نور افشانی می کرد .. زرجد، و مانند سر سوزن به مشیت خداوند در نور عظمت نظر افکند . و خداوند تبارک و تعالی به ایشان فرمود : ای محمد ، فرمود: لبیک یا رب ، فرمود: چه کسی بر امت بعد از تو می باشد؟ حضرت محمد : فرمود: خداوند عالم تر است ، فرمود: علی ابن ابیطالب امیر المؤمنین و سید تسلیم شدگان و فرمانده مجلین می باشد .

سپس امام صادق (ع) به ابو بصیر فرمود : ای ابا محمد بخدا قسم ولایت علی (ع) از زمین نبوده بلکه بصورت شفاهی از آسمان آمد <sup>(۱)</sup>

حضرت محمد : زمانی که در ذات الهی فنا می گشت جز خداوند واحد قهار چیزی باقی نمی ماند و جزء نوری که ظلمتی در آن نبود باقی نمی گشت ، و او خداوند سبحان و تعالی است ، و آن بنده - حضرت محمد : که پرده و حجاب کاملاً برای ایشان باز شد و خداوند را به حق شناخت . و او تنها شخصی است که می تواند خداوند را به خلق به شکل تام معرفی کند و او نیز خلیفه کامل خداوند است که لاهوت در آن تجلی یافته یا ذات الهی در انسان کاملاً شناخته شود.

و برای بهتر روشن شدن مطلب مثالی می آورم : اگر شخصی شرکت تولیدی داشته باشد که در آن ادوات و کارگرانی باشد و خود مدیریت آن را بعهده بگیرد نتیجه و بهره تولید صد در صد می باشد ، سپس آن شخص خواست برای آن تولیدی جایگزین یا نماینده هایی برای خود قرار دهد و شخصی را برای این کار انتخاب کرد که می تواند آن را اداره کند، لکن اگر او بر نماینده اش نظارت نداشته باشد نتیجه تولید هشتاد در صد می شود ، پس باید بر او نظارت داشته باشد تا نتیجه این تولید به صد در صد برسد، و بعد از آن شخصی را یافت که تولید را به نود در صد می رساند و با نظارت بر آن تولید را به صد در صد می رساند و در آخر شخصی را پیدا کرد که همانند خودش می باشد و انگار صورتی از اوست که نتیجه عمل و تولید را بدون اشراف بر کارش به صد در صد می رساند ، و او را جایگزین و خلیفه خود قرار داد و او را نماینده تام الاختیار خود نهاد ، زیرا جز برای مشیت و رضایت صاحب تولیدی کاری نمی کند، بنابر نظارت صاحب شرکت بر این نماینده کاری بهبود یافته است .

و کسی که از آتش خبری می شنود و به اندازه شنیدنش آن آتش را می شناسد ، و همچنین کسی که آن را می بیند به اندازه دیدنش آن آتش را می شناسد، و اما شخصی که عضوی از او در آتش بسوزد شناخت او از آتش یقیناً بیشتر است ولیکن به اندازه سوختن در آن است ، ولی کسی که کاملاً در آتش بسوزد حتی خود آتش شود معرفتش بطور تمام و کمال می باشد و حتی نمی شود او را از آتش تشخیص داد چون او نیز آتش شده.

﴿بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمين﴾<sup>(۱)</sup>.

(مبارک باد آن کس که در این آتش است یا به گرد آن در طلب است و منزله و بلند مرتبه خداوندی که آفریننده عوالم بی حد و نهایت است)

﴿وتلك الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا العالمون﴾<sup>(۲)</sup>.

(و این مثلها را می زنیم تا حقایق روشن شود ولیکن به جز مردم دانا کسی آنرا تعقل نمی کند).

و حالا بر می گردیم به حضرت محمد : خاتم النبیین - با تاء فتحه دار - و یا خاتمشان - با تاء کسره دار - که درود خداوند بر او باد و او آخر پیامبر و فرستاده از جانب خداوند است و رسالت و کتابش قرآن و شریعت او تا قیام قیامت باقی است و بعد از اسلام دینی نخواهد بود :

﴿ومن يتبع غير الإسلام ديناً فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين﴾<sup>(۳)</sup>.

(هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است) .

ولی مقام نبوت برای بنی آدم باز و مفتوح مانده است و هر کس از مؤمنین خود را برای خداوند متعال با عبادت و عمل خالص کند می تواند به این مقام برسد ، همانطوریکه طریق وحی با خواب صادق برای بنی آدم باز مانده است ، که در واقع بطور روزمره ملموس و موجود است . اما ارسال این انبیاء که به مقام نبوت رسیدند از جانب خداوند سبحانه و تعالی غیر ممکن است چه آنهایی که محافظ بر شریعت اسلام حضرت محمد :، و چه آنهایی که تجدد دین بکنند ، و آن را با بعثت حضرت محمد : خاتمه داد .

---

- : .  
- : .  
- : .

ولکن بعد از بعثت نبی اکرم : (انسان کامل یا خلیفه حق خدا و ظهور ایشان در فاران و انعکاس لاهوت) تجدید شد و امر ارسال از جانب حضرت محمد : است و همه ائمه : را برای این امت فرستاده بودند ، و لکن از طرف حضرت محمد : (الله در خلق)، خداوند می فرماید:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(برای هر امتی رسولی است که هرگاه رسول آنها آمد حجت بر آنها تمام شد حکم به عدل شود و بر هیچکس ستم نخواهد شد).

از ابی جعفر(ع) در تفسیر این آیه سوال شد، فرمود: (تفسیر آن در باطن برای هر قرن از این امت فرستاده ای از آل محمد در قرنی که او برای آنها رسول است خروج می کند ، و آنها اولیاء و رسل می باشند، واما معنی قول خداوند که: (اگر رسولشان آمد بین آنها با قسط قضاوت می کند) آنها رسول هستند که با عدل حکم می کنند و ظلم نمی کنند همان گونه که خدا فرمود)<sup>(۲)</sup>

و خداوند متعال فرمود: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>(۳)</sup>.

(و نیز خداوند می فرماید تو اندرز دهنده خلق هستی و برای هر قوم هدایتگری است).

فضیل گفت: از ابی عبد الله (ع) در تفسیر آیه (ولکل قوم هاد - برای هر قوم هدایتگری است) سوال کردم، فرمود: (هر امام راهنمایی است برای آنها در قرنی که بین آنهاست)<sup>(۴)</sup>.

---

- : .  
- : .  
- : .  
- : .

ابی جعفر (ع) در تفسیر این آیه فرمود: (رسول خدا : منذر (اندرز دهنده) و برای هر زمان از ما هدایتگری است که آنها را به آنچه رسول خدا (ص) آورده هدایت می کند، سپس راهنمایان بعد از او امام علی (ع) و بعد از آن اوصیاء یکی بعد از دیگری)<sup>(۱)</sup>.

و نیز ابو بصیر در تفسیر آیه (انما انت منذر ولکل قوم هاد) از امام صادق (ع) آمده که: (انذار دهنده رسول اکرم : وعلی راهنماست)، سپس به ابی بصیر فرمود: (آیا در زمان ما هدایتگری هست)؟ گفت: فدایت شوم بلی هدایتگرانی از شما بوده تا به شما رسید، و امام فرمود: (خداوند تو را رحمت کند اگر آیه بر شخصی نازل شود و آن شخص بمیرد آیه نیز می مرد کل کتاب مرده بود، ولیکن قرآن حی و زنده است و در آیندگان جریان دارد همانگونه که در گذشتگان جاری بود).

از ابی جعفر (ع) فرموده اند: (انذار دهنده حضرت محمد : و راهنما علی (ع) است ، و بخدا قسم با ما بوده و خواهد ماند تا قیام ساعت).

و آنها (ع) فرستاده و راهنمایی از طرف حضرت محمد : و برای ایشان : هستند و همچنین برای همه آنها مقام نبوت است ، و شرط این ارسالی که تغیر پذیر نیست عقل تام است و باید به مقام آسمان هفتم یا آسمان عقل برسند.

و این امری است که استمرار یافت و هر کس اولین فرستاده از حضرت محمد (ص)، علی بن ابیطالب (ع) را زیارت کند چه آن را تفقه کند یا نکند آن را می خواند، و بلکه وارد حرم مطهر امیر المومنین (ع) نمی شود تا این دعا را بخواند و آن مشابه زیارت رسول اکرم : می باشد:

در زیارتی از امام صادق (ع) آمده وقتی امام علی (ع) را زیارت می کنید می گویی :  
(... و تقول: السلام من الله علی محمد أمين الله علی رسالته وعزائم امره ومعدن الوحي

والتنزيل، الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل، والمهين على ذلك كله الشاهد على الخلق، السراج المنير والسلام عليه ورحمة الله وبركاته<sup>(۱)</sup> (سلام خداوند بر محمد امين خدا بر رسالتش، وخاتم آنچه بوده و گشاینده آنچه خواهد آمد، و مسلط بر آنها...).

وهمین عبارت در زیارت امام حسین (ع) نیز ذکر شده :

از ابی عبد الله عليه السلام آمده: (... فإذا استقبلت قبر الحسين (ع) فقل: السلام على رسول الله :، أمين الله على رسله وعزائم أمره، الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل، والمهين على ذلك كله، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته)<sup>(۲)</sup>. (سلام خدا بر رسول خدا و امين خدا بر رسالتش، وخاتمه آنچه بوده و گشاینده آنچه آید، و مسلط بر آنها...).

و امیر المؤمنین علی (ع) فرمودند :

(... وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادة يؤدي الإسلام ذاکرها ويؤمن من العذاب يوم الحساب ذاکرها، وأشهد أن محمدا عبده الخاتم لما سبق من الرسالة وفاخرها، ورسوله الفاتح لما استقبل من الدعوة وناشرها)<sup>(۳)</sup>

( و شهادت می دهم که جز خدا، خدایی نیست،... وشهادت می دهم محمد بنده او وخاتمه دهنده رسالت قبل و رسول گشاینده دعوت و ناشر در آینده آن می باشد). پس حضرت محمد : ارسال را از طرف خداوند سبحان خاتمه داد و خود رسالت را بعد از خود گشود (وخاتمه آنچه بوده و گشاینده آنچه آید)، و اینجا مشخص می شود خاتم - با تاء فتحه دار - واسط بین دو امر می باشد، و نیز خاتم - با تاء کسر دار - یعنی تمام

---

- : - ( . ) : -  
 : : - :  
 ( ) . : - -  
 : : : - -



کننده رسالت از خداوند و آخر النبیین می باشد، و اینکه خاتم النبیین - با تاء فتحه دار - یعنی رسالت آنها با اسم او ختم شده یا اینکه با مهر و امضاء او می باشد، و این ارسال انبیاء سابق از خداوند بوده است و اما حضرت محمد : حجاب بین آنها و خداوند بود و رسالت از ایشان است که بر انبیاء نازل می شد، و حضرت محمد : صاحب رسالات انبیاء سابق بود چون از خلال حضرت محمد : بر آنها نازل می شد و او حجاب نزدیک به خداوند سبحان می باشد.

پس ارسال سابق از خداوند و از طرف واسطه بین آنها حضرت محمد : است چون او (ص) حجاب نزدیک خداوند است گرچه هنوز مبعوث نشده و ارسال مستقبل از حضرت محمد : به امر خداوند بعد از بعثت ایشان است .

واسمی از اسماء امام علی (ع): (رسول رسول خداست).

عن جمیل بن صالح، عن ذریح قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يعوذ بعض ولده و يقول: (عزمت عليك يا ريح ويا وجع، كائنا ما كنت بالعزيمة التي عزم بها علي بن أبي طالب أمير المؤمنين (ع) رسول رسول الله : علي جن وادي الصبرة فأجابوا وأطاعوا لما أوجبت وأطعت وخرجت عن ابني فلان ابن ابنتي فلانه، الساعة الساعة)<sup>(۱)</sup>

بر تو عزیمت کردم ای ریخ و ای درد ، هر کسی که هستی باش ، با عزیمتی که علی ابن ابی طالب امیر المؤمنین (ع) رسول رسول خدا (ص) بر جن وادی صبره پس اجابت کرده و از ایشان پیروی نمودند پس از اجابت و پیروی کردی و از فرزندم فلان فرزند دخترم فلانه بیرون آمدی ، الساعة الساعة )

### رسولی از رسولان

قرآن این قضیه مهم را روشن کرده که حضرت محمد: فاتح این راه وسیع بوده است، و این امر در سابق اتفاق افتاده و درست در زمان حضرت عیسی (ع) (طلعت خدا در ساعیر) و طلوع مقدمه ساز ظهور حضرت محمد: که دعوت عظیم ایشان در آن تحول بزرگی در منبج ارسال الهی برای اهل زمین خواهد داشت، و گماردن خلیفه خداوند سبحان در زمینش است. حضرت عیسی (ع) فرستادگانی از طرف خود برای اهل انطاکیه ارسال کرد و آنها فرستادگانی از خدا هستند چون حضرت عیسی (ع) به امر خدا کار می کرد.

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه کند به امر ایشان انجام می دهند).

و این ارسال از رسول خدا حضرت عیسی (ع) است و در قرآن در (سوره یس) <sup>(۲)</sup> از آن یاد شده است:

﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ \* إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْنَكُم مَّرْسَلُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

- : -  
-

( )

( )

( )

(داستان مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مثال زن \* آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم ولی آن دو را دروغگو پنداشتند تا با فرستاده سومین آنان را تایید کردیم پس رسولان گفتند ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم).  
و در این آیه خداوند می فرماید فرستادیم در صورتی که این ارسال از حضرت عیسی (ع) است ، پس این ارسال از حضرت عیسی (ع) و رسالت خداوند متعال است چون حضرت عیسی (ع) (مثال خداوند در خلق می باشد، و طلعت خدا در ساعیر است).

وامری که در ارسال از رسل باید آنرا بدانیم این است که مرسل یا فرستنده باید برای فرستاده شده در مقام لاهوت باشد ، و به همین خاطر باید این فرستاده شدگان به مقام خلیفه خدا یا (الله فی الخلق) باشند.

برای توضیح بیشتر این مسئله: خداوند به هنگام ارسال رسول از خداوند متعال با آن رسول می بیند و می شنود و ایشان بر امر رسول و دشمنانش احاطه داشته تا خطایی در رسالتشان پیش نیاید، و بدین جهت است که دشمنان خدا هر کاری که بکنند نمی توانند تبلیغ رسالت الهی را منع کنند: ﴿لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمِعُ وَأَذِي﴾ (۲).

(ترسید من با شما هستم و می شنوم و می بینم).

واز ضروریات است که حال فرستادگان در ارسال اینگونه باشد چون این رسولی که رسالتش را برای دیگران ارسال می کند باید مثال خداوند در زمین باشد و محیط و مسلط بر فرستاده اش و دشمنان او باشد، و با فرستاده خود می شنود و می بیند و قادر و عالم به علم خداوند است . و گر نه این ارسال واقعی و تمام از جانب خداوند نمی بود همانگونه که قرآن از آن یاد می کند: ﴿إِذْ أَرْسَلْنَا﴾ (آنگاه که فرستادیم)، و اگر امر اینگونه باشد آن رسول لاهوت فرستاده خویش است و او فرستاده را به امر خدا

فرستاده است، و چگونه خداوند اجازه می دهد فرستاده اش بدون تجهیزات کامل برای این ارسال فرستاده شود و حتی رسولی که فرستاده می فرستد باید همانگونه باشد و اگر غیر از این می بود نقص او را به خدا نسبت می دهند.

هدف از خلقت بنی آدم رسیدن به این نتیجه است زیرا که مثال خلافت حقیقی و کامل خداوند است، و خداوند آن را در محضر ملائکه در هنگام آفرینش حضرت آدم (ع) ذکر می کند:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(بیاد آر آن هنگام که خداوند به ملائکه فرمود من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت گفتند پروردگارا آیا کسی را قرار می دهی که در زمین فساد کند و خونها ریزند و این در حالی است که ما تو را تقدیس و تسبیح می کنیم خداوند فرمود من چیزی را می دانم که شما نمی دانید).

و خلیفه کامل باید صورتی از اصل فرستنده خود باشد و این خلیفه کامل باید (مثال خدا در خلق باشد) یا (اسماء الحسنی) و یا (وجه الله) باشد،

و خداوند می فرماید: ﴿وَجُودٌ يُؤْمِنُ نَاصِرَةٌ \* إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

(آری در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است \* و به پروردگارش می نگرد).  
و اکیداً مقصود اینجا از مشاهده خداوند نیست ، بلکه اولیاء خدا در حال مشاهده نور مری خود حضرت محمد : است چون او وجه الله است که با آن با خلق مواجهه کرد .

و خداوند فرمود: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾<sup>(۱)</sup>.

(مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان در زیر سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار داوری یکسره شود و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود).

و خداوند پاک و منزّه است از حرکت در رفتن و آمدن و این صفت مخلوقات است و مراد از این آیه حضرت محمد: خلیفه کامل خداوند است که مثال لاهوت و (خداوند در خلق) است.

و خلیفه بدون ممارست دور لاهوت در ارسال مرسل (فرستادن رسول از رسول خدا) بصورت عملی خلیفه کامل خدا نمی‌شود و حتی هدف از خلقت تحقق نمی‌یابد. و خلیفه با ممارست این دور لاهوت، تصویر کاملی خواهد شد که با آن خدا را می‌توان شناخت و هدف از خلق خلقت تحقق می‌یابد و آن معرفت لاهوت و توحید حقیقی است.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۲)</sup>.

(و ما جن و انسها را برای عبادت خلق کردم).

یا اینکه انسان و جن را برای معرفت و شناخت آفریدیم.

---

- : .

- : .

## نبوت در زمان قائم مهدی

### که زمین را طهارت می بخشد

از آنچه گذشت روشن شد که امامان و مهدیین مقام نبوت [از جهت اعتبار و نه از جهت وحی] را دارند و آنها رسل می باشند، اما در اینجا کلام در مورد انصار و اصحاب امام مهدی (ع) ، یعنی عده اول و اولیایی که با آنها هستند. اوصاف یاران مهدی در قرآن:

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَىٰ ظَاهِرَةً﴾<sup>(۱)</sup>.

(وما میان آنها وشهرهایی که در آنجا بر نعمت و برکت گردانیدیم باز دیار ظاهر بر هم قرار دادیم).

ومراد از این آیه مردانی هستند که خرید و فروش و تجارت آنها را از ذکر خدا غافل نمی کند همان طوریکه که خداوند می فرماید:

﴿وَكَايْنٍ مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا ثَقِيلًا﴾<sup>(۲)</sup>.

(وچه بسیار دیاری را که از امر خدا ورسولانش سر پیچیدند ما هم آنان را به حساب سخت مواخذه کردیم و به عذاب بسیار شدید معذب ساختیم) وعذاب بر انسانهاست نه دیواره های روستا و دیار، پس خداوند می فرماید بین شما ای مؤمنین و بین دیار مبارک دیاری ظاهر قرار دادیم واین دیار مبارک حضرت محمد وآل : می باشند، واما دیار ظاهر خاص اولیاء خدا هستند که حجت بر خلق می باشند.

روایت شده از حر عاملی در وسائل شیعیه از محمد بن الحسن در کتاب غیبیه از محمد ابن عبد الله بن جعفر بن حمیری از پدرش از محمد بن صالح همدانی گفت : برای صاحب الزمان (ع) نوشتم که اهل بیت من در باره حدیثی که از پدرانت (ع) نقل شده که فرموده اند خدمتگذاران و قائمین به امر ما اشرار خلق الله هستند مرا اذیت می کنند . و در جواب برایم نوشت که : وای بر شما نمی خوانید آنچه را که خدا فرموده (وما میان آنها و شهرهای که در آنجا پر نعمت و برکت گردانیدیم باز دیار (ده ها) ظاهر بر هم قرار دادیم)، به خدا قسم ما آن دیار (شهرها) مبارک و پر نعمت هستیم، و شما آن دیار ظاهر اید).

و این روایت شیخ صدوق در کتاب (اکمال الدین) ذکر شده از پدرش و محمد بن الحسن از عبد الله بن جعفر ، و آمده از عبد الله بن جعفر از علی بن محمد کلینی از محمد بن مسلم از صاحب الزمان (ع) .

و نیز در کتاب (غیبیه طوسی : ص ۳۴۶)، و در (کتاب وسائل شیعیه : ج ۲۷ ص ۱۵۲) با ذکر سند روایت شده است.

و در کتاب احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی در کتاب (احتجاج) از ابی حمزه از ابی جعفر (ع) در حدیثی به حسن بصری می فرماید: ما آن دیار مبارک هستیم و آن کلام خداوند عز وجل است برای کسی به فضل ما اقرار کرد همانطوریکه خداوند به آنها امر کرده که بسوی ما بیایند و فرمود : (و میان آنها و شهرهای که در آنجا پر از نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه های (ده ها) ظاهر بر هم قرار دادیم)، و دیار ظاهر رسل و ناقلین اخبار ما برای شیعیان هستند و از ناقلین شیعیان ما برای شیعیان ما ، و کلام خداوند (سیر و سفر را در آن ممکن ساختیم) و سیر مثالی برای علم در شب و روز سیر و حرکت آن در شب و روز از ما به آنهاست در حلال و حرام و فرائض در آن در امان خواهند بود اگر علم و شرایع خود را از ما بپزند (از معدنش) که به آن امر شدند از آن بپزند ، و از شک و گمراهی در امان خواهند بود و نقل از حرام به حلال است چون علم را از کسی که بر آنها واجب شده است گرفته اند

و آنها اهل میراث علم از حضرت آدم (ع) تا جایی که ذریه پاک آنها از شخصی به شخص دیگر از آنها منتقل شد و به این ذریه برگزیده منتهی می شود نه بر غیر از آنها و ما آن ذریه هستیم نه تو و اشباهت ای حسن<sup>(۱)</sup>.

و در احتجاج از ابی حمزه ثمالی گفت: که قاضی از قضات کوفه بر علی ابن الحسین (ع) وارد شد و از ایشان تفسیر آیه: (و میان آنها و شهرهای که در آنجا پر از نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه های (ده ها) ظاهر بر هم قرار دادیم و شبان و روز با ایمنی کامل مسافرت کنید).

فرمود: (مردم عراق در مورد این چه می گویند)؟ گفت: می گویند مکه است، فرمود: (آیا در جایی دیدی که سرقت بیشتر از آنچه در این مکان است؟) پرسید: پس معنی آن چیست؟ فرمود: (منظور مردان است) گفت: کجای قرآن آمده است؟ فرمود: (گفته خداوند را نشنیدی که می فرماید):

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ﴾ و چه بسیار دیاری را که از امر خدا و رسولانش سر پیچیدند ...

و فرمود: ﴿وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا﴾ که از اهل قریه ای که در آن بودند سوال شد ... آیا از قریه سوال می شود یا از مردان آن،

و شروع به خواندن آیات دیگر در این باره شد.

گفت: این مردان کیستند؟

امام (ع) فرمود: (ما آن مردان هستیم).

و (با ایمنی کامل مسافرت کنید)؟ (ع) فرمود: (ایمنی از هوای نفس)<sup>(۲)</sup>

و انصار قائم مهدی بهترین مصداق این قریه های ظاهر هستند و امیر المومنین در مورد آنها می فرماید: (پدرم و مادرم فدایشان شود عده ای هستند که اسماء آنها در آسمان



معروف و در زمین مجهول می باشند)<sup>(۱)</sup>.

و در **(کتاب ینابیع الموده: ج ۳ ص ۲۷۲)** قندوزی به نقل از امام علی (ع) می فرماید: پدرم و مادرم فدایشان شود عده ای هستند که اسماء آنها در آسمان معروف و در زمین مجهول می باشند).

و نیز در **(کتاب نهج السعاده شیخ محمودی: ج ۳ ص ۴۵۰)** از امام علی (ع) نقل شده است که می فرماید: (ای فرزند بهترین زنان تا کی منتظر بشارت پیروزی نزدیک از خدای رحیم هستی و وای بر متکبرین در هنگام دروی آنها به دست دروکنندگان و قتل فاسقین معاند پروردگار عظیم و پدر و مادرم فدایشان عده ای کم هستند که در آسمان معروف و در زمین مجهول می باشند و زمان ظهورشان نزدیک است).

و در **(کتاب ینابیع الموده ج ۳ ص ۴۳۴)** همان کتاب آمده است که امام علی (ع) می فرماید: (ای فرزند بهترین زنان تا کی منتظر بشارت پیروزی نزدیک از خدای رحیم هستی و پدر و مادرم فدایشان عده ای کم هستند که در آسمان معروف و در زمین مجهول می باشند و زمان ظهورشان نزدیک است).

و نیز رسول اکرم: در **(کتاب بخار: ج ۵۲ ص ۱۲۴)** می فرماید: (خداوند مرا به زیارت برادرانم مسرور فرما) و این جمله را دو بار فرمودند، یارانی که در کنار ایشان بودند پرسیدند: آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: (شما یاران من هستید ولی برادرانم قومی هستند در آخر الزمان به من ایمان می آورند بدون اینکه مرا ببینند و خداوند آنها را با نامشان و نام پدرانشان به من معرفی کرده قبل از آنکه از پشت پدرشان و ارحام مادرشان بیرون بیاورد. و هر کدام از آنها در محافظت از دین خود شدید تر از گرفتن شاخه خاردار در شب تاریک می باشد و یا مانند کسی است که آتش گداخته در دست دارد آنها چراغ روشنگر هستند که خدا آنها را از هر فتنه ای محفوظ می دارد).

امام علی (ع) پدر وصی خود را (ابی طالب) و مادر پاک و طاهر خود (فاطمه بنت اسد) را برای آنها فدا می کند زنی که رسول خدا : را در دامان پاکش بزرگ کرد ، و رسول اکرم : درباره آنها می فرماید: (برادرانم و آنها را بر یاران منتجبین و با کرامت که با خونشان این دین را آبیاری کردند ، ارجحیت می دهد).

ولکن مراد از این افراد در آیه عده اول هستند که همان سیصد و سیزده نفر می باشند ، و آنها وحی را از طریق رؤیای صادقه در ملکوت آسمانها از خداوند سبحان دریافت می کنند و به امر خداوند عالم به چیزی از غیب مطلع می شوند و برای بعضی از آنها به امر خداوند مقام نبوت است. و هر کدام با منزلت و مقامی که پیش خداوند دارند رسولی از پیامبران پیشین هستند ، ولی بر یک امر واحد جمع می شوند چون خداوند واحد است و جمع شدنشان بهترین دلیل بر صدق آنها و صدق کسی که بر گرد آن جمع شده اند را نشان می دهد.

و هر کس ادعای این امر را بکند و با آنها نیست دروغگو و دشمن خداست (هر کس با ما نیست بر ماست)، و هر کسی که برای ما جمع نمی کند برای شیطان جمع می کند. و این قریه ها (ده های) ظاهر فرستادگانی از خداوند هستند چون حق را از خداوند شناختن و خداوند با رؤیای صادقه به آنها وحی می کند زیرا آنها با قائم حضرت مهدی (ع) هستند قائمی که زمین را پر از عدل و داد می کند.

و آنها حجتی بر مردم هستند و در آنها گره ای نیست بلکه عقبه (گردنه صعب العبور) را پشت سر گذاشته و به دنبال حجت خدا هستند و انصار خداوند سبحان را برایش جمع می کنند:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ \* إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(وما بعد از تورات در زیور و انبیاء سلف وعده دادیم و نوشتیم که بندگان نیکوکار من مالک زمین و وارث و متصرف آن خواهند شد این قرآن برای اهل عبادت تبلیغ رسالت خواهد بود).

این آیه برای امام مهدی (ع) و یارانش نازل شده همانگونه که اهل بیت (ع) فرمودند و بر آن تأکید کرده اند، و اوصاف آنها به این گونه است:

۱- مالک و وارث زمین .

۲- بندگان نیکوکار .

۳- قومی اهل عبادت .

و قبل از اینکه اوصاف آنها را بگویم باید توجه داشته باشیم کسی که این اوصاف را به آنها لقب داده است انسان نیست ، بلکه او خداوند سبحان است که آنها را خلق کرده و از باطن پاکشان و قدسیت روحشان آگاه و مطلع است.

آنها وارث زمین هستند:

چیزی که معلوم است کسی که وارث زمین است وصی در هر زمان می باشد ، و وارثین زمین انبیاء و اوصیاء هستند ، و هر کدام به شخصی که بعد از خود می آید به امر خداوند وصیت می کند.

و در این آیه وارث یک نفر نیست بلکه وارثین متعدد می باشند و آنها انصار قائم مهدی (ع) می باشند، و این وارثین وصی نیستند و مراد از این آیه وارثین حجت حقیقی بر زمین هستند و این حجت امام مهدی قائم (ع) و وصی بر خلق می باشد ، و وراثت اینها به اعتبار این است که آنها حجت خدا و خلفاء خلیفه خدا در زمین هستند همانگونه که وراثت ایشان (ع) به اعتبار این است که او حجت خدا و خلیفه خدا می باشد .

اما سبب و علت این حالت وجود آن در قانون وراثت است ، حتی انبیاء مرسلین سابق : با وجود اینکه حجت و خلیفه خدا و وارث زمین در زمانشان بودند اما در زمان

خود نتوانستند به صلاحیت خود کاری را که از طرف خداوند به آنها محول شده را انجام دهند باوجود اینکه آنها وارث زمین بودند.

واین اولیاء انصار امام زمان مهدی (ع) رسل و فرستاده های آن انبیاء و مرسلین می باشند و وراثت آنها بر روی این زمین و تمکینشان با ممارست و صلاحیت از وراثت آن انبیاء و مرسلین می باشد، و آنها را برای امام مهدی (ع) ارسال کرده اند، تا تطبیق این آیه باشند:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(وهمانا عهد ما درباره بندگانی که به رسالت فرستادیم سبقت گرفته است \* که البته آنها بر کافران پیروز و فتح یابند \* و سپاه ما بر کافران پیروز است).  
چون وراثت و تمکین و پیروزی اصحاب و انصار امام مهدی (ع) همان وراثت و تمکین و پیروزی کسانی است که آنها را فرستاده است، و آنها انبیاء و مرسلین سابق: می باشند.

و اما تطبیق شرایع انبیاء و مرسلین سابق: در زمین که با آن پیروزیشان تکمیل می شود کسی که عهد دار آن است امام مهدی (ع) می باشد همانگونه که خداوند می

فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾<sup>(۲)</sup>.

(خداوند شرع و آیینی که بر شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و عیسی و موسی هم آنها را سفارش کردیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید مشرکان را که به خدای یگانه دعوت می کنی به نظرشان بزرگ می آید مگر پس از

- : .  
- : .

آنکه علم و برهان بر آنها آمد برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند و اگر کلمه رحمت خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمیگزینند و هدایت می فرمایند).  
 از امام صادق (ع) نقل شده است که سوال شده: احادیثی از شما می آیند که با هم اختلاف دارند؟ و ایشان فرمود: (قرآن بر هفت حرف می باشد و کمترین چیزی که امام می تواند بر آن فتوا دهد بر هفت وجه می باشد و این عطای بی حساب ماست یا قبول کنید یا ساکت بمانید)<sup>(۱)</sup>

### بندگان نیکوکار:

و مراد از این آیه انبیاء و مرسلین سابق: می باشند و همانگونه که در قبل روشن کردیم بر یاران مهدی (ع) نیز این اوصاف و مدح عظیم از خداوند متعال منطبق می شود چون اینها رسی از آن بندگان نیکوکار می باشند و بهترین مثال آنها در زمین می باشند.

قومی اهل عبادت:

اینها اصحاب و یاران امام مهدی (ع) هستند و باید در اینجا تأمل کنیم و مراد از این که قومی اهل عبادت هستند را در تفسیر این آیه: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۲)</sup>.

(و ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت (پرستش) کنند) و پرستش و عبادت در اینجا یعنی معرفت است همانگونه که اهل بیت: فرمودند، و مراد از اهل عبادت در آیه قبل یعنی اهل معرفت می باشند، و معرفت با بلاغ تناسب

---

- : .

- : .

دارد و کسی که می خواهد تبلیغ رسالت کند باید معرفت آن را داشته باشد: **﴿إِنَّ فِي**  
**هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾** <sup>(۱)</sup>. (این قرآن برای اهل عبادت تبلیغ رسالت خواهد بود)  
 وبا وجود کثرت وصف برای انصار قائم در قرآن ولی به همین مقدار کم بسنده می کنیم  
 تا ارتباط آنها را با نبوت و رسالت و انبیاء سابق نشان دهیم.  
 و چون این کلام برای هر انسان طالب حق هست نه فقط برای مسلمین ، این مثال  
 را می آورم که در کتاب مقدس (عهد جدید) ارتباط یاران حضرت مهدی (ع) با تمام  
 قدرتشان را با انبیاء روشن می کند ، و معلوم است که عدد انبیاء سابق : (۱۲۴) هزار  
 نبی یا بیشتر می باشند ولی این رقم در در میان مردم علم و جاهل متداول است .  
 در انجیل عهد جدید یاد می کند که فرزند امام مهدی (ع) یاران پدرش را که (۱۴۴)  
 هزار و بر روی پیشانی آنها ختمی می باشد و بر بالای کوه صهیون ایستاده اند و این  
 رمز پیروزی امام مهدی (ع) و فتح زمین مقدس می باشد:  
 (ثم نظرت واذا خروف واقف علی جبل صهیون و معه مائة و اربعة و اربعون الفاً لهم  
 اسم ایبه مکتوباً علی جباههم) <sup>(۲)</sup>  
 ( و بعد دیدم که قوچی بر کوه صهیون ایستاده و با او صد و چهل و چهار نفر ایستاده  
 اند و اسم پدرش بر پیشانی آنها نوشته شده است).

## قیام مقدس

### نبرد بین شیطان و سربازان او از انسان و جن

#### و بین خداوند و سربازان او از جن و انس و ملائکه

سربازان شیطان از طواغوت می باشند پس وجود آنها مانند فرعون و نمrod و تمامی طواغیت و اشباه آنها هستند همانگونه که شبیه ابلیس بین مردم وجود خود او را نمایان می کند.

و وجود رسل و فرستاده های از انبیاء و مرسلین سابق : در بین مردم وجودشان در این قیام مقدس نمایان می کند، همانگونه که وجود وجه الله و صورتی از خداوند و اسماء الحسنی او همان خلیفه و حجت خداوند بر خلق در قیام مقدس مهدویت وجود امام مهدی (ع) است، و وجود خلیفه و حجت خدا یعنی امام مهدی (ع) در این مبارزه یعنی وجود خداوند است که با سربازانش می جنگد و سید خود را مثال می زند و در تورات سفر اشعیا اصحاح هفتم آمده: (که این عذرا (باکره) طاهر فرزندی به دنیا می آورد و نامش را عمانوئیل می گذارد)، و معنی آن: خدا با ماست. و نزدیک همین معنی در تفسیر (خداوند با ماست) در انجیل متی اصحاح اول وجود دارد.

و در دعای سہات: ( .. واسئلك اللهم ... و بمجدك الذی ظهر علی طور سیناء فکلمت به عبدك و رسولك موسی بن عمران و بطلعتک فی ساعیر و ظهورک فی فاران). طلعت خداوند در ساعیر با حضرت عیسی (ع) است که مثال طلوع خداوند شد و ظاهر شدن خداوند با مثال کامل ایشان حضرت محمد : است .. و جنگ در اینجا مبارزه برای هدایت مردم به سوی امام مهدی (ع) است و نه جنگ و خون ریزی ، چون ابلیس ملعون می خواهد بیشترین عدد را با خود وارد جهم کند و وعده خود را که آنها را گمراه می سازد را تحقق دهد، و امام مهدی (ع) می خواهد بیشترین عدد ممکن را با هدایت آنها به حق و توحید خالص خداوند وارد بهشت نماید .

پس ابتدا این مبارزه عقایدی و کلامی می باشد و امام مهدی (ع) همان امام علی (ع) است و حسین (ع) ، و امام علی (ع) در جنگ جمل ابتدا خود وارد جنگ نشد تا وقتی که جوانی را برای آنها فرستاد که قرآنی در دست داشت و آنها آن جوان را کشتند و جواب آنها قتل و پاره کردن قرآن بود و همان طور امام حسین (ع) در قیام مقدس ابتدا خود جنگ را شروع نکرد تا وقتی که با قوم سخن گفت و آنها را نصیحت کرد اما جواب آنها نیزه و شمشیر بود ، و ایشان (ع) به یارانش فرمود بلند شوید خدا شما را رحمت کند اینها فرستاده قوم هستند که به طرف شما می آیند. و امام علی و امام حسین (ع) با کلام شروع کردند و هدایت و حجت خود را روشن ساختند اما سربازان شیطان بعد از اینکه خود را عاجز از جواب می بینند چاره ای جز جنگ نداشتند که بر حکمت آنها جواب دهند. امام مهدی (ع) فرزند امام علی (ع) و فرزند امام حسین (ع) با کلام و مناظره عقایدی شروع می کند تا آنها را هدایت کند ، ولی بعد از اینکه از دادن جوابی بر حکمت بالغ او عاجز ماندند چاره ای جز جنگ برای جواب ندارند که به آنها بدهند ، و امام مهدی (ع) نیز کلام امام علی (ع) را می گوید که با آنها بر خونی که ریختند می جنگیم و کلام امام حسین (ع) را می گوید : برخیزید خداوند شما را رحمت کند که این رسل قوم برای شما است .

سید احمد الحسن

ذو الحجه ۱۴۲۷ هجری قمری



## فهرست

۵	.....	اهدا
۷	.....	مقدمه
۱۱	.....	نبوت
۱۶	.....	رؤیا (خواب) صادق و نبوت
۱۹	.....	خاتم النبیین
۲۶	.....	محمد ظهور خداوند در فاران (مکه)
۳۴	.....	رسلی از رسولان
۳۸	.....	نبوت در زمان قائم مهدی که زمین را پاک می گرداند
۴۵	.....	بندگان نیکوکار
۴۷	.....	قیام مقدس
۴۹	.....	فهرست

سایت انصار امام مهدی (مکن الله له فی الارض)

<http://farisy.almahdyoon.org>

<http://farsi.almahdyoon.org/>

<http://ar.al-mehdyoon.org>

چت روحهای انصار امام مهدی (ع) در پالتاک (مناظره و پاسخ گویی به سؤالات)

روم فارسی Middle East >> Iran >> Iil Ansar Imam Mahdi Iil

روم عربی Middle East >> Islam >> ansar al imam almahdy